

## برنامه هسته‌ای لیبی: واکنش‌های خارجی، انصراف حکومت و پیامدهای آن

نویسنده: علی باقری دولت‌آبادی\*

تاریخ دریافت مقاله: ۸۳/۱۱/۱۳

تاریخ تأیید مقاله: ۸۳/۱۲/۱۵

صفحات مقاله: ۳۵-۴۸

### چکیده

لیبی با وجود عضویت در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (۱۹۶۳) و معاهده منع گسترش سلاح هسته‌ای (۱۹۷۵) از همان سالهای آغازین انقلاب خود در ۱۹۶۹ تلاش‌هایش را جهت توسعه فناوری هسته‌ای آغاز نمود. به میزانی که بر دشمنی لیبی با غرب افزوده شد، فعالیت‌هایش بیشتر رنگ و بوی نظامی به خود گرفت. این فعالیت‌ها که به‌طور خاص - طبق گفته رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی - از ۱۹۹۵ نضج گرفت، بیشتر از طریق بازار سیاه و دلالان هسته‌ای بخصوص عبدالقدرخان - پدر بمب هسته‌ای پاکستان - توسعه و به‌طور موازی در بخش موشکی نیز تداوم یافت. کشف محموله قاچاق تجهیزات هسته‌ای به لیبی در ۴ اکتبر ۲۰۰۳ و به دنبال آن اعتراف معمر قذافی در ۱۹ دسامبر ۲۰۰۳ به برنامه‌های مخفیانه‌اش برای دستیابی به بمب هسته‌ای، زمینه را برای خلع سلاح لیبی فراهم نمود. آثار این حرکت تعجب‌برانگیز قذافی که ناشی از دو دسته علل داخلی و بین‌المللی بود به داخل لیبی محدود نماند و امروز در سطح منطقه و جهان بازتاب دارد.

\* \* \* \* \*

### کلید واژگان

برنامه‌های هسته‌ای، معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سلاح‌های هسته‌ای، خلع سلاح، کنترل تسلیحات

\* آقای علی باقری دولت‌آبادی دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه تهران است.

## مقدمه

۱۹ دسامبر ۲۰۰۳ (۲۸ آذر ۱۳۸۲) را باید نقطه عطف و چرخشی جدید در سیاست خارجی لیبی دانست. در این روز معمر قذافی رسماً به تلاش مخفیانه‌اش برای دستیابی سلاحهای کشتارجمعی اعتراف و اعلام کرد که حاضر است درهای کشورش را به روی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بگشاید. او همچنین رضایت کشورش را برای برچیدن تمام برنامه‌های سلاحهای هسته‌ای، شیمیایی، حذف موشکهای بالستیک با برد بیش از ۳۰۰ کیلومتر و قادر به حمل کلاهک ۵۰۰ کیلوگرمی و آمادگی کشورش را برای امضای پروتکل الحاقی و موافقتنامه پادمانی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و پیمان منع جامع آزمایشات هسته‌ای ۱۹۹۶ اعلام کرد و پیوستن به پیمان منع گسترش سلاحهای هسته‌ای اعلام کرد. او همچنین رضایتش را برای پیوستن به کنوانسیون سلاحهای شیمیایی ۱۹۹۳ اعلام داشت و موافقت کرد فوری و بدون پیش شرط تمام برنامه سلاحهای کشتار جمعی خود را متوقف کند. این اظهارات که به شکل بیانیه‌ای به مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و بعداً در نامه‌ای به شورای امنیت ارائه شد، زمینه را برای خلع سلاح لیبی و پایان دادن به سی سال تلاش پنهانی این کشور برای کسب سلاحهای کشتارجمعی فراهم نمود و با استقبال جامعه جهانی بخصوص شورای امنیت و دو عضو برجسته آن آمریکا و انگلیس مواجه گردید و زمینه را برای حضور مجدد لیبی در صحنه بین‌المللی فراهم کرد.

در این مقاله کوشش شده است تا به شکلی توصیفی - تحلیلی، به این پرسشها پاسخ داده شود که برنامه هسته‌ای لیبی چه ویژگیهایی داشته است؟ چه واکنشهایی را ایجاد کرده است؟ چرا حکومت قذافی از آن اعلام انصراف نموده و این موضوع چه پیامدهایی داشته است.

## ۱- برنامه هسته‌ای لیبی

در مورد زمان دقیق شروع فعالیتهای هسته‌ای لیبی اطلاعات دقیقی وجود ندارد، اما همواره در طول این سالها و قبل از خلع سلاح داوطلبانه لیبی در میان ناظران بین‌المللی یک نظریه مشترک بوده است و آن اینکه لیبی به دنبال کسب سلاحهای هسته‌ای می‌باشد. انزوای نسبی این کشور در طول این سالها از صحنه مراودات بین‌المللی و

دشمنی‌اش با آمریکا باعث شد تا همواره انگشت اتهام نسبت به فعالیتهای این کشور نشانه رود. لیبی در سال ۱۹۶۳ به سازمان انرژی اتمی ملحق شد و در ۱۹۷۵ پیمان منع گسترش سلاحهای هسته‌ای امضا شده به وسیله رژیم ادریس<sup>۱</sup> را در ۱۹۶۹ تصویب کرد و در ۱۹۸۰ با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد مکان تأسیسات هسته‌ای این کشور و نظارت بر آن به توافق رسید. علی‌رغم برداشتن این گامها و اعلامهای قذافی مبنی بر محدودیتهای کشورش برای کسب سلاحهای هسته‌ای، در همان زمان بعضی شاهدان لیبی را در بین خطرناکترین کشورها از نقطه‌نظر گسترش سلاحهای کشتار جمعی و سلاحهای هسته‌ای طبقه‌بندی می‌کردند. (www.globalsecurity/2004)

با وجود اظهارنظر معمر قذافی در مورد فعالیتهای هسته‌ای کشورش گزارشهای تأیید شده‌ای وجود داشت که نشان می‌داد لیبی اندکی بعد از انقلاب ۱۹۶۹ به دنبال خرید سلاحهای هسته‌ای و طرحهایی در این زمینه بوده است. قذافی در ۱۹۸۱ و ۱۹۸۴ دست به مصاحبه‌هایی زد مبنی بر اینکه لیبی علاقه‌مند به کاربرد صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای می‌باشد و ایده "بمب اسلامی" را مورد تمسخر قرار داد. (Ibid) با این حال، شکی وجود ندارد که در این سالها بسیاری از دانشجویان لیبیایی مرتبط با انرژی هسته‌ای را به دانشگاههای ایالات متحده، اروپای غربی و شرقی برای مطالعات بیشتر فرستاده است.

این کشور به موجب پیمان همکاری هسته‌ای ۱۹۷۴ با آرژانتین تجهیزات و آموزشهای فنی لازم را فراهم نمود. آرژانتین موافقت کرد زمین‌شناسان با تجربه به لیبی بفرستد تا آن را در جستجو و غنی‌سازی اورانیوم راهنمایی کنند. یک دلیل اشغال باریکه آزو<sup>۲</sup> در چاد توسط لیبی در ۱۹۷۵، این بود که گمان می‌رفت این منطقه دارای ذخایر ارزشمند اورانیوم باشد.

لیبی و هند در جولای ۱۹۷۸ موافقت کردند تا در زمینه کاربرد صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای در راستای سیاست "اتم برای صلح" با یکدیگر همکاری نمایند. همچنین فرانسه در ۱۹۷۶ موافقت کرد تا تأسیسات تحقیقات هسته‌ای طراحی شده برای تجزیه آب و نیروگاه برق در لیبی بسازد. به علاوه قذافی سعی کرد از کشورهایمانند

1- Idris  
2- Aouzou

جمهوری خلق چین برای کسب تکنولوژی هسته‌ای کمک بگیرد. لیبی همکاری هسته‌ای با پاکستان را در ۱۹۷۷ آغاز کرد که به نظر می‌رسد این همکاری دربردارنده نتایج مهمی بود. البته لیبی اظهار می‌داشت به دنبال کمکهای مالی است. در دهه ۱۹۸۰ لیبی مقدار زیادی "گیگ زرد" از نیجر دریافت کرد و کار با شریک اصلی خود را در حوزه هسته‌ای، یعنی اتحاد شوروی، آغاز نمود. در همین راستا یک راکتور ۱۰ مگاواتی ساخت شوروی در ۱۹۸۱ در تاگورا<sup>۱</sup> (بیرون از تریپولی) شروع به کار کرد. سه سال بعد یک مرکز تحقیقاتی در همان سایت گشوده شد که ۷۰۰ متخصص لیبیایی را به خدمت گرفت و تکنسین‌ها به وسیله پرسنل روسی اداره شدند. دانشجویان بسیاری به خارج فرستاده شد: یک گروه ۲۰۰ نفری تا اوایل ۱۹۸۳ - زمانی که ایالات متحده آموزش لیبیاییها در علوم هسته‌ای را ممنوع ساخت - در ایالات متحده مشغول تحصیل و تحقیق بودند. لیبی در ۱۹۸۴ سفارش یک دستگاه تبدیل اورانیوم آزمایشی را داد و یک شرکت ژاپنی تکنولوژی لازم را فراهم کرد. (Ibid)

علاوه بر آن لیبی در دادوستدهای فنی مختلف شرکت و سعی می‌کرد تجهیزات مصارف دوگانه و روی هم‌رفته تکنولوژی که ظرفیت فنی در حوزه هسته‌ای را توسعه دهد به دست آورد. (http://iwar. 2003) علی‌رغم این تلاشها، قذافی سعی می‌کرد روابط خود با این کشورها و شرکتها را طبیعی جلوه دهد و همواره بر مخالفت کشورش با گسترش سلاحهای هسته‌ای تأکید می‌نمود. او در مصاحبه‌ای با یک روزنامه هندی در مارس ۱۹۸۷، اعلام کرد که لیبی هرگز به پاکستان برای کسب بمب اتمی کمک نخواهد کرد و اظهار داشت «ما تولید سلاحهای هسته‌ای را یک اشتباه بزرگ علیه بشریت تلقی می‌کنیم.» (www.globalsecurity. op.cit., 2003)

تحریم نظامی و اقتصادی دهه ۱۹۸۰ و به دنبال آن فروپاشی اتحاد شوروی در ۱۹۹۱، شرایط جهانی برای جلب همکاری در زمینه تکنولوژی هسته‌ای برای لیبی را مشکل ساخت. این امر نگاه لیبی را به سمت بازار سیاه و دلالان هسته‌ای جلب کرد. اولین تماسها میان عبدالقدیرخان و مقامات لیبی، در استانبول صورت گرفت. سپس

ملاقات‌هایی در کازابلانکا و دوبی انجام شد. بر اساس توضیح ابوظاهر\* که در تمامی ملاقاتها حضور داشت محمد ماتوق، معاون نخست‌وزیر، سرپرستی هیأت لیبیایی را برعهده داشت. در جریان این دیدارها محمد ماتوق قصد داشت که طرف معامله را ارزیابی کند آیا وی قابل اعتماد است؟ آیا تجهیزات واقعاً عمل می‌کنند؟ برای متقاعد کردن وی، مقامات پاکستانی در اوایل سال ۱۹۹۸ تعداد ۲۰ دستگاه سانتریفوژ P1 و ترکیباتی برای ساخت ۲۰۰ دستگاه در اختیار لیبی قرار دادند که برای راه‌اندازی کارخانه غنی‌سازی پیشرفته‌ای در الشام، حومه تریپولی، مورد استفاده قرار گرفت. (زور، ۱۳۸۳) آزمایش هسته‌ای پاکستان در ۲۸ مه ۱۹۹۸ بر عزم قذافی جهت کسب این تسلیحات افزود. او که کاملاً مبهوت این آزمایش موفقیت‌آمیز شده بود، ده‌هزار قطعه سانتریفوژ سفارش داد و درخواست سانتریفوژ بسیار پیشرفته P2 کرد. نخستین محموله‌ای که به لیبی ارسال شد در تاریخ دسامبر ۲۰۰۲ بود. ابوظاهر طرح‌های سانتریفوژ و دستورالعمل‌های نصب آن را که بر روی یک لوح فشرده ثبت شده بود، در داخل کانتینرها جاسازی کرد و به لیبی فرستاد. بر روی لوح فشرده یک فیلم تبلیغاتی از آزمایشگاه‌های عبدالقدیرخان وجود داشت. با مشاهده فیلم مذکور، سرهنگ قذافی علاوه بر ده‌هزار دستگاه سانتریفوژ، دومین سفارش خود را که کارخانه آماده بهره‌برداری از قطعات جداسازی شده دستگاهها بود، از پاکستان درخواست کرد. پایگاه این کارخانه در چندکیلومتری تریپولی و در شهر زیبای جاترور قرار داشت.

شبکه عبدالقدیر با درآمد هنگفتی که از این طریق به دست آورده بود، آموزش تکنسینهای لیبیایی را که گرداننده کارخانه بودند، بر عهده گرفت و به همین منظور دوره‌های کارآموزی را برای آنان در مالزی، اسپانیا و آفریقای جنوبی فراهم آورد. کارخانه فوق‌سری دیگری که قرار بود ساخته شود، کلمه رمزی به نام "Machine shop 1001" داشت. این کارخانه هرگز ساخته نشد، زیرا سرهنگ قذافی در پاییز سال ۲۰۰۳ به

\* مجیری سید ابوظاهر جوان ۳۴ ساله سریلانکایی همکار و فرد مورد اعتماد عبدالقدیرخان بود، که عبدالقدیرخان وی را به تمام شرکتهای تأمین‌کننده خود در اروپا و دیگر مناطق جهان معرفی و او را مدیرکل شبکه غیرقانونی خود کرد.

برنامه‌های هسته‌ای خود پایان داد. (زور، پیشین) هرچند در حال حاضر هیچ کشوری به عنوان تهیه‌کننده اصلی تکنولوژی هسته‌ای لیبی مشخص نشده است اما همه نگاهها به پاکستان می‌باشد. در حقیقت واردات قاچاق هسته‌ای لیبی آشکار ساخت که از بازار سیاه پیشرفته آمده است، در حالی که حکومت پاکستان هرگونه انتقال دولتی این تجهیزات را انکار نمود. اما مقامات پاکستانی پذیرفتند که دانشمند هسته‌ای پاکستان ممکن است به‌طور مستقل در انتقال این تجهیزات نقش داشته باشند. (www.Boureston, et.al, 2004, p.2)

در کنار برنامه هسته‌ای، زرادخانه موشک بالستیک لیبی شامل اسکاد - B (کلاهیک ۳۰۰ و ۷۰۰ کیلوگرمی) و موشکهای در حال گسترش با برد ۵۰۰ تا ۷۰۰ کیلومتر به نام "الفتح"<sup>۱</sup> بود. برنامه توسعه موشکهای الفتح ظاهراً در سراسر دهه ۱۹۹۰ با وجود اختلالات ناشی از تحریمهای بین‌المللی ادامه پیدا کرده بود. در سالهای اخیر سرویسهای اطلاعاتی اسرائیل همچنین ادعا کردند که لیبی موشک نودونگ با برد ۱۳۰۰ کیلومتر از کره شمالی دریافت کرده است. اما سرویسهای اطلاعاتی آمریکا بر سر این حرف بحث داشتند. در این زمینه، برآورد شورای اطلاعات ملی آن بود که برنامه موشکی لیبی وابسته به حمایت خارجی است و بدون آن در نهایت برنامه متوقف خواهد شد. لیبی نظامنامه رفتار بر ضد گسترش موشک بالستیک (ICOC) را در نوامبر ۲۰۰۲ امضا کرد. (Sharon, 2004, p.2) قذافی در ۱۹ مارس ۲۰۰۳ قول داد همه موشکهای بالستیک با برد ۳۰۰ کیلومتر و قادر به حمل کلاهیک ۵۰۰ کیلوگرمی یا بیشتر را نابود کند. تا جایی که ۵ موشک اسکاد - C ساخت کره شمالی خود را تحویل آمریکا داد. ظاهراً لیبی تصمیم گرفت زرادخانه اسکاد - B که بین ۸۰ تا چند صد فروند با بردهای کوتاه تخمین زده می‌شود را به موشکهای با برد کوتاه و اهداف دفاعی تبدیل کند و به دادوستد نظامی با کره شمالی پایان خواهد داد. (Sharon, op.cit., p.4)

## ۲- واکنش غرب و نهادهای بین‌المللی

بیشتر ناظران در سراسر این سالها، برنامه هسته‌ای لیبی را به‌خاطر ناتوانی‌اش در تهیه اجزای کلیدی و فقدان منابع محلی جدی تلقی نکردند. برای مثال در نوامبر ۱۹۹۹ آژانس خلع سلاح و کنترل تسلیحات آمریکا اعلام کرد که «لیبی علاقه مستمیری در

کسب سلاح‌های هسته‌ای نشان داده است؛ اما در برنامه هسته‌ایش بیشتر از مرحله اولیه توسعه تحقیقات هسته‌ای مستقل و توانایی مربوط به چرخه سوخت پیشرفت زیادتری نداشته است.» (www.Report,2001) این در حالی بود که تحریم‌های سازمان ملل علیه لیبی که از سال ۱۹۹۲ اعمال شده بود، در این سالها به حال تعلیق درآمد. بسیاری اعتقاد داشتند این تعلیق تحریمها به لیبی اجازه داده است تا تلاش‌هایش جهت کسب تجهیزات مربوط به موشک‌های بالستیک، مواد، تکنولوژی و تخصص از منابع خارجی را گسترش بخشد. (http://iwar.2003) پنتاگون در ژانویه ۲۰۰۱ در مورد برنامه هسته‌ای لیبی اعلام کرد که: «لیبی علی‌رغم تلاش‌هایش پیشرفت اندکی داشته است. همچنین برنامه هسته‌ایش فاقد طرح خوب توسعه یافته، نیروی متخصص و حمایت مالی مداوم و تهیه‌کنندگانی خارجی می‌باشد.» (www.Report,2001)

اما علی‌رغم وجود مشکلات بالا در طول این سالها قذافی دست از جاه‌طلبی‌های برنمی‌داشت. او در ۲۵ مارس ۲۰۰۲ در مصاحبه‌ای با الجزیره گفت: «ما خواستار نابودی سلاح‌های کشتار جمعی که اسرائیل دارد هستیم، ما باید این خواسته‌مان را ادامه دهیم. از طرف دیگر عربها حق ندارند که آن سلاح را داشته باشند.» (www.globalsecurity. op.cit., 2004) تلاش‌های مخفیانه لیبی تا ۴ اکتبر ۲۰۰۳ ادامه یافت. در این روز کشتی با پرچم آلمان به نام BBC China در بندر تورنتو ایتالیا توسط نیروهای ایتالیایی، آلمانی، انگلیسی و آمریکایی متوقف شد که حامل حداقل ۱۰۰۰ دستگاه سانتریفوژ گازی کاملاً سوار شده و اجزای آن بود. این کشتی از دوی بارگیری و مقصدش لیبی بود. (www.Boureston, et.al, 2004) توقیف این کشتی، اعلام تعجب برانگیز قذافی «بله لیبی یک برنامه اتمی داشت و من اکنون از آن صرف‌نظر می‌کنم» را به همراه آورد. به دنبال آن زمینه برای خلع سلاح لیبی فراهم شد. این اظهارنظر حاصل نه ماه گفتگوهای محرمانه بین مقامات لیبی، آمریکا و انگلیس بود. لیبی گفتگوی دوجانبه را در نیمه مارس ۲۰۰۳ آغاز کرد و در آن زمان خواستار وساطت انگلیس برای گفتگو با آمریکا در مورد سلاح‌های کشتار جمعی شد. تیم آمریکایی و بریتانیایی متشکل از مأموران اطلاعاتی حدود دو هفته در اکتبر و دسامبر ۲۰۰۳ را در لیبی گذراندند. در طول بازدیدها تیم آمریکایی و بازرسان انگلیس به ده محل مربوط به فعالیتهای هسته‌ای لیبی رفتند و آنچه دیدند پیشرفته‌تر بود از آنچه را

واشنگتن فکرش می‌کرد. اما لیبی اینکه اورانیوم غنی شده تولید شده باشد را انکار کرد. (Williams, 2003)

گفتگوها و بازرسی‌های البرادعی در ۲۰ دسامبر ۲۰۰۳ و پس از آن این گفته مقامات لیبی را تأیید کرد. البرادعی گفت: «برنامه لیبی در سطح پایین و مراحل ابتدایی بود». او اضافه کرد: «لیبی در غنی‌سازی اورانیوم، گام لازم برای ساخت بمب هسته‌ای را برداشته است.» (Williams, 2003) همچنین وزیر امور خارجه لیبی، عبدالرحمن شلغم، اظهار داشت: «ما به مرحله تسلیح هسته‌ای نرسیده‌ایم». او در ادامه گفت: «امنیت ملی نمی‌تواند با چنین سلاح‌هایی حفظ شود». (Ibid) به دنبال این مواضع بود که لیبی ۲۵ تن اجزای برنامه تسلیحات هسته‌ای لیبی؛ شامل بخش‌های سانتریفوژ اورانیوم و مدارک جامع آن را در ایالت مرکزی تنسی تحویل آمریکا داد. (www.globalsecurity., 2004) این مقدار به ۵۰۰ تن هم رسید. با اعلام آمادگی لیبی برای خلع سلاح، نخستین بازدیدها از این کشور در روزهای پایانی ماه دسامبر آغاز شد. در این بازدیدها آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تلاش جهت پی‌بردن به موارد زیر اصرار و اهتمام داشت:

- ۱) زمان شروع برنامه سانتریفوژ لیبی و تأسیسات بحث‌برانگیز آن؛
  - ۲) وضعیت رآکتور تحقیقاتی لیبی و آزمایشگاه رادیو شیمیایی لیبی در تاگورا؛
  - ۳) موقعیت، اهداف و وضعیت تأسیساتی که ممکن است در ارتباط با برنامه هسته‌ای لیبی باشند. اینکه آیا آنها برای مصارف غیرنظامی هستند یا مصارف نظامی؛
  - ۴) وضعیت مواد هسته‌ای که لیبی مالک آنها می‌باشد، نحوه تحویل، زمان و نام شرکتها یا کشورهای همکار در این زمینه. (www.Boureston, et.al., op.cit., p.3)
- پس از انجام بازرسی و صحت گفته‌های مقامات لیبی و همچنین پیوستن این کشور به پروتکل الحاقی در ۱۰ مارس ۲۰۰۴ (Board, 2004) شورای حکام آژانس در قطعنامه شماره ۲۰۰۴/۱۸ خود به بررسی پرونده این کشور پرداخت و در آنجا از تصمیم لیبی به عنوان یک گام مثبت در جهت تحقق آفریقا و خاورمیانه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی استقبال نمود و همکاری بیشتر لیبی با آژانس در آینده را خواستار گردید. (شیشه‌چی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۵) همچنین رئیس شورای امنیت در تاریخ ۲۲ آوریل ۲۰۰۴ (۸۳/۲/۳) در رابطه با موضوع «تصمیم لیبی برای انصراف از برنامه‌های سلاح‌های کشتار جمعی» در بیانیه‌ای از مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواست تا موضوع عدم پایبندی



را صرفاً به اطلاع شورای امنیت گزارش نماید. همچنین بر ضرورت تلاش جهت حل و فصل مسائل اشاعه از طریق مسالمت‌آمیز و کانالهای دیپلماتیک و سیاسی تأکید نمود و از لیبی خواست تا امحای قابل راست‌آزمایی تمامی برنامه‌های سلاحهای کشتارجمعی خود را تضمین نماید. به علاوه اظهار امیدواری کرد که قطعنامه شماره ۲۰۰۴/۱۸ شورای حکام آژانس در فضای همکاری مداوم اجرا شود. (<http://ods>)

### ۳- عوامل مؤثر بر انصراف لیبی

به نظر می‌رسد تلاشهای لیبی برای دستیابی به سلاحهای هسته‌ای را بتوان در سه هدف زیر خلاصه کرد:

(۱) کسب بازدارندگی هسته‌ای: همان‌طور که کنت والتز اشاره دارد، امروزه «ثابت

شده است که بازدارندگی متعارف خوب عمل نمی‌کند و سلاحهای هسته‌ای یک عامل بازدارنده مهم بوده است.» (Waltz, 2003) بنابراین کشورهایی که همواره خود را در معرض تهدید از جانب دیگران تلقی می‌کنند، تنها راه تأمین امنیت خود را کسب این‌گونه سلاحها در نظر می‌گیرند. تضاد دیرینه لیبی با آمریکا را در این زمینه شاید بتوان مهمترین محرک در نظر گرفت.

(۲) بر هم زدن موازنه نظامی منطقه به نفع خود: رئالیستها بر این نظرند که به میزانی که بر قدرت کشور همسایه شما افزوده می‌گردد، از امنیت شما کاسته شده است. کشورها برای جبران این کاستی دو راه بیشتر ندارند؛ یا ائتلاف و اتحاد با دیگر کشورها جهت کاهش قدرت طرف مقابل و برقراری توازن و یا توسعه توان نظامی خود که به مراتب عامل دوم نزد رئالیستها از اهمیت بیشتری برخوردار است. زیرا امنیت در جهان هرج و مرج گونه تنها از طریق «خودیاری» است که می‌تواند به خوبی تأمین شود. لذا لیبی همواره به تبدیل شدن به تنها کشور دارنده سلاح هسته‌ای در شمال آفریقا و در مواجهه با مصر و الجزایر، که هر دو دارای روابط نزدیک با آمریکا بودند، فکر می‌کرد و خواستار آن بود که موقعیت خود را از نظر نظامی در منطقه تثبیت کند.

(۳) کسب پرستیژ و احترام: کسب سلاح هسته‌ای همان‌گونه که از نظر داخلی می‌تواند به افزایش حس اعتماد به نفس مردم در مقابل خطرات خارجی

بیفزاید و این اطمینان را به آنها بدهد که در صورت مورد حمله واقع شدن دارای قدرت لازم برای مقابله با آن هستند، می‌تواند به کسب احترام و وجهه بین‌المللی یک کشور در صورت داشتن سایر مؤلفه‌های لازم برای آن بیانجامد. آزمایش بمب هسته‌ای پاکستان در ۱۹۹۸ و نحوه برخورد آمریکا با کره شمالی در ۱۹۹۳ قذافی را به این نتیجه رساند، که داشتن این‌گونه تسلیحات نه تنها در میان کشورهای عرب برای او احترام و پرستیژ می‌آورد، حتی می‌تواند قدرت چانه‌زنی این کشور را در مقابل آمریکا بالا ببرد.

عواملی که رهبر لیبی را وادار به عقب‌نشینی در مورد برنامه‌های هسته‌ای خود نمود چندان دور از انتظار نبود. این عوامل را می‌توان در دو سطح داخلی و بین‌المللی مورد تحلیل قرار داد.

#### الف) بعد داخلی

- ۱) فشارهای اقتصادی بر این کشور: لیبی ۲۵ سال تحریمهای ایالات متحده و فشارهای بین‌المللی را پشت‌سر گذاشت. تحریمهایی که جز فقیرتر کردن مردم این کشور و بالا بردن ضریب شکنندگی آن نتیجه دیگری نداشت. تحریمهای بین‌المللی که به‌خاطر حمایت این کشور از تروریستها و نقش آن در انفجارهای آلمان غربی و سقوط هواپیمای پان‌آمریکن وضع شده بود، این رژیم را از یگانه منبع مالی خود که صادرات نفت بود محروم کرد. ادامه این وضعیت می‌توانست به فروپاشی این نظام از داخل بیانجامد.\*
- ۲) فراهم کردن شرایط برای جانشینی صلاح‌الدین: انتقال حکومت لزوماً نیازمند بستر مناسب و ثبات و آرامش نسبی در کشور می‌باشد. این نکته‌ای بود که قذافی بخوبی از آن آگاه بود و برای جانشینی پسرش صلاح‌الدین به آن نیاز داشت و حاضر بود برای تداوم حکومت خانوادگی خود هر بهایی بپردازد.

\* تحریمهای آمریکا علیه لیبی عبارت بودند از: ممنوعیت فروش کالاهای نظامی ۱۹۷۹، ممنوعیت مسافرت و واردات نفتی از لیبی ۱۹۸۲، ممنوعیت دادوستدهای تجاری و مالی ۱۹۸۶، ممنوعیت کمکهای خارجی مستقیم یا غیرمستقیم به سازمانهایی که ممکن بود به لیبی سود برسانند، معاملات بانک صادرات - واردات، معاملات کشور سوم با لیبی، واریز کردن یا انتقال داراییهای لیبی به ایالات متحده.

والترز در این مورد به اهمیت مسأله جانشینی حکومت در لیبی اشاره کرده و آن را به عنوان یک خط قرمز مطرح می‌کند. (Waltz, op.cit.)

۳) تردید در توان و دانش ملی خود: شاید سرهنگ قذافی به این نتیجه رسیده بود که متخصصانش توانایی ساخت سلاح اتمی را ندارند، یا این کشور دیگر قادر به پرداخت هزینه‌های بالا برای خرید قطعات از بازار سیاه نباشد و بدین دلیل از ادامه برنامه صرف‌نظر کرد.

(ب) بعد خارجی

در میان تئوریهای روابط بین‌الملل، نواقعی گرای تأکید بیشتری بر ساختار نظام بین‌الملل و نقش آن در شکل‌گیری و تغییر رفتار سیاست خارجی کشورها می‌نماید. والترز می‌گوید: «تیین رفتار کشورها را می‌توان در محدودیتهایی که نظام برای هر یک از آنها ایجاد می‌کند یافت، نه در ترکیب داخلی آنها. این نیروهای سطح نظام، رفتار سیاست خارجی را از طریق قرارگرفتن میان دولت‌ها و رفتار دیپلماتیک آنها همگن می‌کنند» (Burchill, et.al., 2001, p.85) در این رابطه توجه به تحولات زیر در عرصه بین‌الملل که بر تصمیم‌گیری لیبی تأثیر گذاشت، قابل توجه خواهد بود:

۱) فروپاشی شوروی سابق، انزوای لیبی در اتحادیه عرب و عدم توفیق وی در اتحادیه آفریقا، این کشور را در انزوای کامل سیاسی قرار داد. انزوایی که جز فشار اقتصادی و سیاسی بر این کشور دستاورد دیگری نداشت. خروج از این انزوا قذافی را مجبور به ابتکار عمل کرد.

۲) حادثه ۱۱ سپتامبر، سرنگونی رژیم طالبان در افغانستان و رژیم صدام حسین در عراق و سرنگونی رژیم تیلور در لیبیا که همه با دخالت مستقیم آمریکا صورت گرفت، رژیم لیبی را واداشت تا به اقدامات بالا مبادرت نموده و برای جلوگیری از آسیب‌پذیری بیشتر در تصمیمات خود تسریع نماید.

۳) اقدام قذافی، باعث افزایش اهمیت لیبی در جهان عرب از یک طرف و بازگشت آن به عرصه نظام بین‌الملل از طرف دیگر منجر خواهد شد. در واقع لیبی با این کار می‌تواند بخشی از نقش گذشته مصر را برعهده گیرد، یعنی به عنوان واسطی میان جهان عرب و غرب عمل کند. (معاونت سیاست خارجی، ص ۵۷)

۴) فشار آمریکا بر عراق، ایران و کره شمالی و تلاش برای متوقف ساختن برنامه‌های هسته‌ای آنان لیبی را به این نتیجه رساند که بعد از آنها نوبت لیبی است و آینده، در بهترین حالت ادامه، تحریمهای همه‌جانبه و در بدترین شرایط حمله نظامی می‌باشد. واقعیتی که در مورد عراق اتفاق افتاد.

۵) سرخوردگی قذافی از رهبران عرب و سازش آنها با غرب. قرارداد صلح اسلو و مادرید، رابطه بعضی از کشورهای عرب همچون مصر، قطر، اردن با اسرائیل و همچنین بی‌حرکی آنان نسبت به اقدامات اسرائیل و آمریکا در منطقه در قذافی این احساس را ایجاد نمود که در صحنه مبارزه با امپریالیسم تنها مانده است و بهای این تنهایی چیزی جز شکست نیست.

۶) بدنامی سرهنگ قذافی به دلیل افشای عملیات غیرقانونی و مخفی برای خرید تجهیزات نیروگاههای هسته‌ای. (ونسان زور، پیشین)

۷) اقدام قذافی می‌تواند حضور آمریکا و انگلیس را در مدیترانه جنوبی افزایش دهد. این امر به تضعیف ابتکار عمل مشارکت مدیترانه‌ای فرانسه می‌انجامد و زمینه را برای تغییر موازنه قوا در شمال آفریقا به نفع لیبی فراهم می‌کند. (معاونت سیاست خارجی، پیشین)

مجموع عوامل بالا زمینه بازنگری قذافی را در سیاستهای خود بخصوص برنامه هسته‌ای، فراهم نمود. این سیاست مورد استقبال جرج بوش و بلر که شعار مبارزه با تروریسم و گسترش سلاحهای هسته‌ای در میان تروریستها را سرمی‌دادند، قرار گرفت به‌گونه‌ای که دو کشور زمینه لغو تحریمهای وضع شده علیه لیبی را فراهم و سعی کردند از آن به عنوان الگویی برای دیگر کشورها و در جهت تبلیغات به نفع خود سود ببرند.

#### ۴- پیامدها

بعد از آفریقای جنوبی، لیبی دومین کشوری است که داوطلبانه فعالیتهای مخفی برای کسب سلاحهای هسته‌ای را افشا و از آن صرف‌نظر نمود. این اقدام گذشته از اینکه می‌تواند ادعاهای آمریکا در مورد تلاش کشورهای محور شرارت برای دستیابی به سلاحهای هسته‌ای را تقویت و تأیید نماید، بر تحولات کل منطقه، آینده صلح

خاورمیانه، افزایش تبلیغات اسرائیل علیه ایران و همچنین توازن استراتژیک در خاورمیانه و شمال آفریقا می‌تواند تأثیر زیادی بگذارد. تبدیل شدن لیبی به الگویی برای خلع سلاح، فشار علیه جمهوری اسلامی ایران را جهت دست برداشتن از فعالیتهای هسته‌ای خود خواهد افزود و حتی می‌تواند به قیمت نادیده گرفته شدن حق طبیعی این کشورها برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تمام شود. همچنین ارجاع پرونده لیبی به شورای امنیت فتح بابی شد برای سایر موارد مشابه که با توجه به مسبوق به سابقه بودن این امر حتی بدون داشتن هیچ مدرک و شواهدی، زمینه فشارهای بیشتر و حمله به این کشورها فراهم گردد. به علاوه این اقدام غیرمنتظره لیبی، ممکن است کشورهای عربی را به مسابقه امتیاز دادن به غرب جهت عقب نیفتادن از لیبی بیندازد. همان‌گونه که امروز در سوریه شاهد هستیم که بشار اسد، شخصاً بدون هیچ پیش‌شرطی اعلام کرد حاضر است به مذاکره با اسرائیل پردازد. این تصمیمات، همچنین تقویت نقش آمریکا و انگلیس در منطقه می‌تواند بر منافع ملی کشور ما بشدت تأثیرگذار باشد و در صورت تداوم چنین شرایطی آینده را با دشواری مواجهه کند. لذا می‌طلبد که دولت ایران به‌طور دقیق رفتار کشورهای منطقه و مراودات آنان را زیر نظر داشته باشد تا از قرار گرفتن در شرایط از پیش تعیین شده و اقدام منفعلانه جلوگیری کند.

#### منابع فارسی

- ۱- ژور، و نسان، "عبدالقدیرخان پشت‌پرده پاکستان"، ترجمه مجتبی فرهادی‌پور، *روزنامه شرق*، دوشنبه ۲۷ مهر ۱۳۸۳، اقتباس از نوول ابزرواتور.
- ۲- شیشه‌چی، مصطفی، "خلع سلاح لیبی و نقش شورای امنیت سازمان ملل"، فصلنامه سیاست خارجی، سال هیجدهم، شماره ۱ (بهار ۱۳۸۳)، ص ۲۱۵.
- ۳- معاونت سیاست خارجی، "اقدام لیبی و منافع ملی ایران"، *ماهنامه برداشت اول*، سال دوم، شماره دوازدهم، ص ۵۷.

### English Reference

- 1- "Libyan Nuclear Weapons" in (<http://www.globalsecurity.Org/wmd/world/Libya/nuclear.htm>.12 September 2004), p.1.
- 2- Boureston, Jack, et.al., "Verifying libya's Nuclear Disarmaments", Trust Verify, January – February 2004, No.112, p.2, in ([www.vertiz.Org/assets/Tv112.pdf](http://www.vertiz.Org/assets/Tv112.pdf)).
- 3- Williams, Daniel, "E.N Team Arrives in Libya to Open Talks", Washington Post, (Sunday, Desember 28, 2003), in (<http://www.WashingtonPost.com/ac2/wp-dyn?pragename=article & content Id – A35280-...200266/09>)
- 4- Sharon, Squassoni, A., Andrew Feickert, "Disarming Libya : Weapons of Mass Destruction", CRS Report for Congress, RS21823/Aprill22. 2004. p.2, in, ([www.policyalmanac.org/world/archive/disarming-Libya.pdf](http://www.policyalmanac.org/world/archive/disarming-Libya.pdf)).
- 5- Waltz, Kenneth, Interview : Conversation With History, Institute of International Studies, U.S Berkeley, February 2003, (<http://globetrotter.edu/people3/Waltz/Waltz-conl.html>)
- 6- Burchill, Scott, Andrew Linklater, Theories of International Relations. (London: Macmillan, 2001), p.85.
- 7- "Report # 2001/10," Nuclear Weapons Proliferation, p.7, in ([www.csis-scrs.gc.ca/leng/miscdocs/200110-ehtml](http://www.csis-scrs.gc.ca/leng/miscdocs/200110-ehtml)).
- 8- "New CIA Documents Weapons Proliferation Trends, (08 January 2003) in ([http://iwar.org.uk/news\\_archive/2003/01-08.htm](http://iwar.org.uk/news_archive/2003/01-08.htm)), p.7.
- 9- "Board Adopts Resolution, Libya Signs additional Protocol, 10 March 2004, in (<http://www.iaea.org/search97cgi/S97-cgi?action=View & vdkvgwkey>)